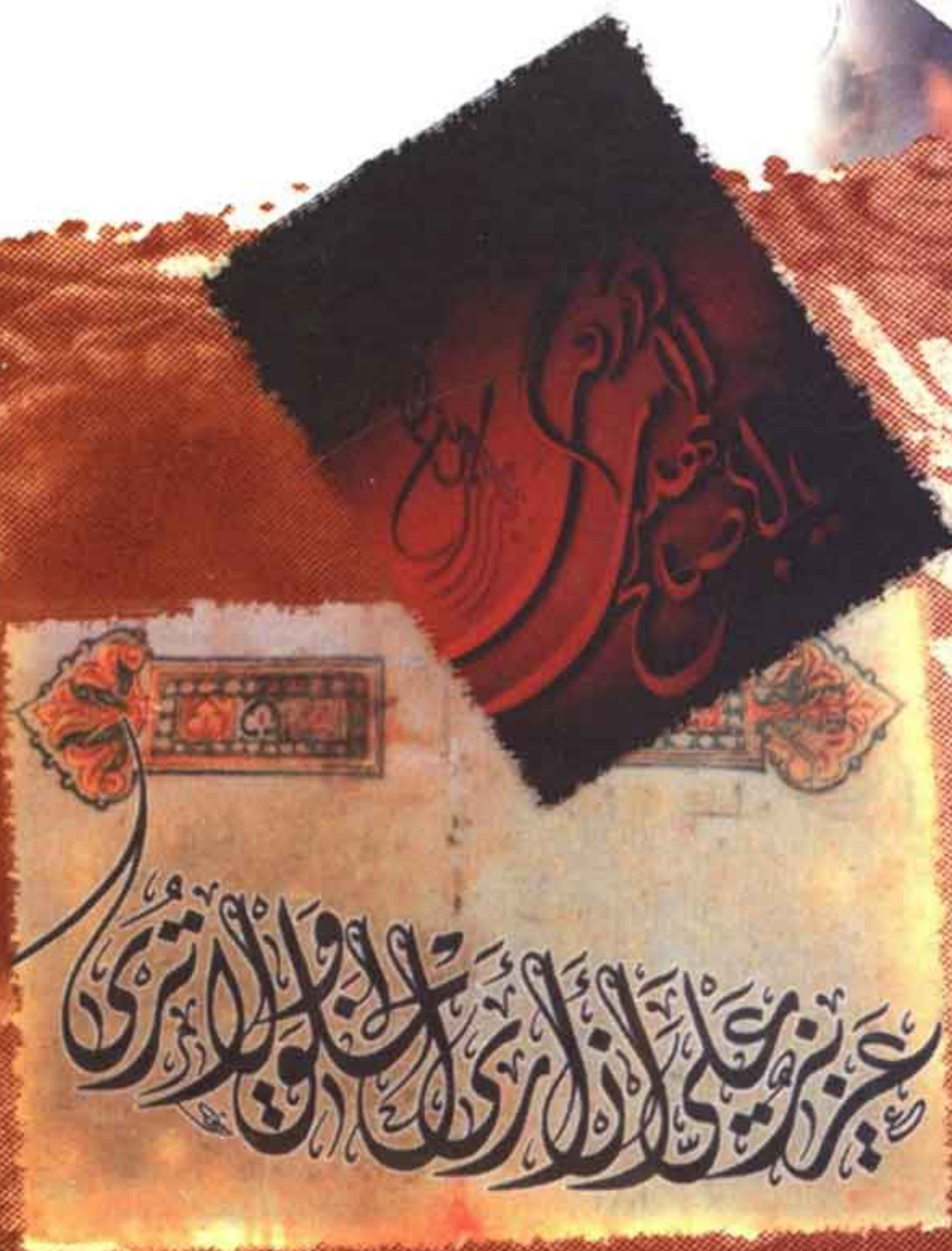




سلسله مباحث مهدویت

# بررسی دعای ندبه

علی اصغر رضوانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



انتشارات مسجد مقدس جمکران

---

■ نام کتاب:	□ بررسی دعا ندبه
■ مؤلف:	□ علی اصغر رضوانی
■ صفحه آرا:	□ امیر سعید سعیدی
■ ناشر:	□ انتشارات مسجد مقدس جمکران
■ تاریخ نشر:	□ تابستان ۱۳۸۵
■ نوبت چاپ:	□ اول
■ چاپ:	□ سرور
■ تیراژ:	□ ۳۰۰۰ جلد
■ قیمت:	□ ۲۵۰ تومان
■ شابک:	□ ۹۶۴ - ۸۴۸۴ - ۹۸ - ۸

---

■ مرکز پخش:	□ انتشارات مسجد مقدس جمکران
■ فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدس جمکران	
■ تلفن و نمابر:	□ ۰۲۵۱ - ۷۲۵۳۳۴۰ ، ۷۲۵۳۷۰۰
■ قم - صندوق پستی:	□ ۶۱۷

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

# بررسی دعای ندبه

تألیف: علی اصغر رضوانی

## فهرست مطالب

۷	مقدمه ناشر .....
۹	سند دعای ندبه .....
۱۰	راه تشخیص روایت صحیح از غیر صحیح .....
۱۰	۱- موافقت با قرآن .....
۱۰	۲- موافقت با سایر کلمات معصومین <small>علیهم السلام</small> .....
۱۰	۳- موافقت با عقل و عدم مخالفت با حکم آن .....
۱۱	نظر بزرگان درباره دعای ندبه .....
۱۲	ناقلان دعای ندبه .....
۱۳	راوی دعای ندبه .....
۱۴	«محمد بن مشهدی» راوی با واسطه دعای ندبه .....
۱۴	«محمد بن علی بن ابی قره» راوی دیگر دعای ندبه .....
۱۵	توثیق ابن مشهدی .....
۱۵	دعای ندبه از کدامین امام است؟ .....
۱۸	ارتباط امام زمان <small>علیه السلام</small> با کوه رَضَوِی و دِی طوی .....
۱۹	عدم تصریح به نام تمام امامان .....
۲۰	مخالفت با معراج جسمانی .....
۲۱	تالیفات درباره دعای ندبه .....
۲۲	دعاهای دیگر در عصر غیبت .....
۲۳	مکان‌های سفارش شده برای دعا در عصر غیبت .....
۲۴	فلسفه توسل به امام زمان <small>علیه السلام</small> .....

۲۶ نهی از عجله

۲۶ دعای عهد

### ولایت تکوینی امام زمان علیه السلام

۳۰ تعریف ولایت

۳۲ معنای ولایت تکوینی

۳۲ توجه به باطن

۳۳ اثربندی خدا

۳۴ قرب الهی

۳۶ آثار قرب الهی

۳۶ ۱- تسلط بر نفس

۳۷ ۲- بینش خاص

۳۷ ۳- تقی خواطر

۳۸ ۴- خلع نفس

۳۹ قرآن و ولایت تکوینی اولیای الهی

۴۲ ولایت تکوینی امام زمان علیه السلام

۴۲ مقدمه اول

۴۳ مقدمه دوم

۴۴ مقدمه سوم

۴۵ مقدمه چهارم

۴۶ مقدمه پنجم

۴۶ مقدمه ششم

۴۸ مقدمه هفتم

۴۷ سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

## مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می‌کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می‌دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده‌اند و با پوچ‌گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده‌اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حق جل و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات  
مسجد مقدس جمکران  
حسین احمدی

## سند دعای ندبه

روش عرف و عقلا در مسائل تاریخی، قبول هر خبری است که در کتب تاریخی معتبر یا مشهور نقل شده باشد. ولی علمای اسلام در قبول اخبار و روایاتی که مربوط به احکام شرع و معارف دینی است به این مقدار اکتفا نمی‌کنند، بلکه در صدد بحث و تحقیق برآمده و در سند احادیث و عدالت و وثاقت راویان حدیث بررسی کامل می‌کنند، و مادامی که اطمینان کامل و وثوق به احادیث پیدا نکنند به آن عمل نمی‌نمایند.

این دقت و تحقیق به جهت حصول اطمینان به صدور حدیث از معصوم در مورد تکالیف الزامی، اعم از وجوب و حرمت دو چندان می‌شود، ولی در مورد مستحبات احتیاج مبرم به این گونه بررسی نیست. مورد ادعیه از این قسم است؛ زیرا به جهت استحباب قرائت آن احتیاج مبرمی به بررسی سندی ندارد، بلکه قرائت آن به رجا و امید مطلوبیت کافی است، و می‌توان از قوت متن و الفاظ و مضامین دعا پی به اعتبار آن برد؛ زیرا این مضامین در آیات و روایات معتبر نیز وارد شده است. خصوصاً آن که مطابق اخبار «من بلغ» که دلالت بر تسامح در ادله سنن و مستحبات دارد، احتیاج چندانی به بررسی سند ادعیه مستحبه نیست.



## راه تشخیص روایت صحیح از غیر صحیح

از آنجا که برخی از کذابین از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صدد جعل و وضع حدیث و نسبت آن به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام بوده‌اند، لذا جا دارد که میزانی را برای تمییز بین حدیث صحیح از غیر صحیح به دست دهیم. در این باره به چند میزان می‌توان اشاره نمود:

### ۱ - موافقت با قرآن

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقِّ حَقِيقَةً وَعَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا، فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخَذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ»؛<sup>۱</sup> «همانا بر هر حقی حقیقتی و بر هر صوابی نوری است، پس آنچه موافق کتاب خداست اخذ کرده و آنچه مخالف کتاب خداست رها کنید.»

### ۲ - موافقت با سایر کلمات معصومین علیهم السلام

حسن بن جهم می‌گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: از جانب شما احادیث مختلف به ما می‌رسد؟ حضرت فرمود: «ما جاءك عنا فقس على كتاب الله عز وجل وأحاديثنا، فإن كان يشبههما فهو منا، وإن لم يكن يشبههما فليس منا»؛<sup>۲</sup> «آنچه از جانب ما به شما رسید بر کتاب خداوند عزوجل و احادیث ما مقایسه کنید، اگر شبیه آن دو است از ما می‌باشد، وگرنه از ما نیست.»

### ۳ - موافقت با عقل و عدم مخالفت با حکم آن

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: «هرگاه از من حدیثی به

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۲۱، ح ۳۳۲۷۳.

۱. کافی، ج ۱، ص ۶۹، ح ۱.

ثُمَّ رَسَيْدَ أَنْ رَأَى كِتَابَ خُذَا وَحُجَّتْ عَقُولَتَانِ عَرْضَهُ بَدَارِيْدَ، إِنْ مَوَافِقَ إِيْنِ دُو  
بُوْدَ قَبُوْلَ كَرْدَه وَگَرْنَه أَنْ رَأَى بِرِ دِيُوَارَ زَنِيْدَ»<sup>۱</sup>.

## نظر بزرگان درباره دعای ندبه

شیخ مرتضیٰ انصاری رحمته الله علیه در کتاب «المکاسب» در بخش خیارات در ذیل  
حدیث «المؤمنون عند شروطهم» می‌گوید: بعید نیست که بگوییم عنوان  
«شرط» بر التزامات ابتدایی صادق نیست، بلکه متبادر عرفی از «شرط» همان  
التزامات تابع عقد است، همان گونه که از موارد استعمال این کلمه در مثل قول  
امام در دعای ندبه استفاده می‌شود، آنجا که در ابتدای دعا فرمود: «بعد أن  
شرطت عليهم الزهد في درجات هذه الدنيا الدنيّة»<sup>۲</sup>.

شیخ انصاری رحمته الله علیه گویا این دعا را امر مفروع عنه از حیث صحت گرفته و لذا  
به آن در مجال احکام شرعیة استدلال کرده است.

محشّین مکاسب شیخ بر او در این نکته هیچ اعتراضی نکرده و سند آن را  
نیز مورد مناقشه قرار نداده‌اند.

شیخ عبدالله مامقانی در حاشیه خود بر مکاسب می‌گوید: «وجه دلالت این  
جمله از دعا بر مقصود این است که: کلام امام به این بر می‌گردد که خداوند  
عزّوجلّ به بندگان خود فرمود: هر کس در این دنیا زهد پیشه کند من به او  
نعمت مقیم عطا خواهم کرد...»<sup>۳</sup>.

۱. شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۳، ح ۱؛ تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۳، ص ۳۹۲.

۲. المکاسب، ج ۵، ص ۲۱.

۳. حاشیه مامقانی بر مکاسب، قسم خیارات، ص ۱۲.

ایروانی نیز می‌گوید: «اما اطلاق شرط در دعای ندبه به اعتبار این است که در ضمن التزام "جزیل ما عنده" ... آمده است...»<sup>۱</sup>

### ناقلان دعای ندبه

دعای ندبه را عده‌ای از علما و محدثین نقل کرده‌اند از آن جمله:

۱ - شیخ مشهدی در «المزار» از محمد بن ابی قره و او از کتاب ابی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان بزوفری نقل کرده و آن را به امام زمان علیه السلام نسبت داده است.<sup>۲</sup>

۲ - سید بن طاووس در «مصباح الزائر» و «اقبال الاعمال» از بعضی اصحاب ما از محمد بن علی بن ابی قره به نقل از کتاب محمد بن حسین بن سفیان بزوفری نقل کرده و آن را به امام زمان علیه السلام نسبت داده است.<sup>۳</sup>

۳ - علامه مجلسی رحمته الله در کتاب «زاد المعاد» می‌گوید: «و اما دعای ندبه که مشتمل بر عقاید حقه و تأسّف بر غیبت قائم علیه السلام است، به سند معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است...»<sup>۴</sup>

۴ - قبل از این بزرگان، این دعا را شیخ جلیل ثقه ابوالفرج محمد بن علی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی قره قنانی که معاصر شیخ نجاشی و از اعلام قرن پنجم بوده، نقل کرده است. کسی که شیخ محمد بن مشهدی در کتاب «المزار» از او زیاد نقل می‌کند.

۱. حاشیه ایروانی بر مکاسب، ج ۲، ص ۵. ۲. المزار، ص ۵۷۳. دعای ۱۰۷.

۳. مصباح الزائر، ص ۴۴۶؛ اقبال الاعمال، ص ۲۹۵ - ۲۹۹.

۴. زاد المعاد، ص ۴۸۸.

۵ - و نیز شیخ جلیل ثقه ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری در کتاب «الدعاء» نقل کرده است. او که از مشایخ شیخ مفید رحمته الله علیه به حساب می آید مورد تأیید خاص او قرار گرفته است. حاجی نوری در «خاتمة المستدرک» او را از مشایخ شیخ مفید برشمرده و به وثاقت و جلالت قدر او شهادت داده است. مرحوم آیت الله بروجردی می فرمود: «یکی از راههای شناخت رجال، شناخت شخصیت شاگردان آنان است. و هرگاه مشاهده شد که اشخاصی همچون شیخ مفید رحمته الله علیه از شخص معینی زیاد روایت نقل می کند و هرگز مذمتی در حق او ندارد این به نوبه خود نشانه این است که آن شخص مورد وثوق و اطمینان است».

### راوی دعای ندبه

کسی ادعا نکرده که بزوفری این دعا را بدون واسطه از امام نقل کرده است. و آیا لازم است هرکسی که روایتی را از امام نقل می کند معاصر با امام باشد؟

ما اطمینان داریم که این دعا یا با سند در کتاب بزوفری روایت شده ولی دیگران که از آن کتاب نقل کرده اند از باب مسامحه آن سند را حذف کرده اند، و یا این که بزوفری از آنجا که دعا را معروف و مشهور دیده احتیاجی به ذکر سند ندیده است؛ زیرا همان گونه که در این زمان معروف و مشهور است، در عصرهای گذشته نیز چنین بوده است. خصوصاً آن که متن آن با آیات قرآن و روایات دیگر سازگاری تمام دارد.

### «محمد بن مشهدی» راوی با واسطه دعای ندبه

از کلمات آیت الله خویی رحمته الله علیه به نقل از شیخ حرّ عاملی به دست می‌آید که مراد از محمد بن مشهدی، محمد بن علی بن جعفر است.<sup>۱</sup>

ولی مرحوم حاجی نوری در «خاتمه مستدرک» در این باره می‌گوید: «مراد از محمد بن مشهدی، محمد بن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی است که از وی به عنوان «حائری» نیز یاد شده است. ایشان یکی از راویان ابی الفضل شاذان بن جبرئیل قمی است. او همچنین با دو واسطه از شیخ مفید روایت نقل می‌کند».<sup>۲</sup>

به هر حال او هر که باشد شخصی قابل اعتماد و مورد وثوق و جلیل القدر است که توصیف و مدح وی در کتب رجال آمده است.

### «محمد بن علی بن ابی قرّه» راوی دیگر دعای ندبه

او از جمله راویان صاحب کتاب و مورد اعتماد است. نجاشی درباره وی می‌گوید: «... او ثقه بوده و روایات فراوانی شنیده و کتاب‌های بسیاری تألیف کرده است. وی کسی بود که کتاب‌ها را ورق به ورق برای اصحاب امامیه می‌خواند و همواره در مجالس با ما بود».<sup>۳</sup>

از آنجا که نجاشی اجازه نقل کتاب‌های ابن ابی قرّه را از وی داشته است لذا می‌توان او را از مشایخ اجازه مرحوم نجاشی دانست.

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۲۵۹. ۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۸.

۳. رجال نجاشی، ص ۲۸۳.

از آنجا که محمد بن جعفر مشهدی معاصر محمد بن ابی قره نبوده است لذا می‌توان آن را این گونه توجیه کرد:

- ۱ - شیخ مشهدی معمر بوده و لذا محمد بن ابی قره را درک کرده است.
- ۲ - اگرچه خبر ارسال دارد ولی ابن مشهدی به نقلش از محمد بن ابی قره یقین داشته است.
- ۳ - ابن مشهدی دعا را از کتاب مزار ابن ابی قره نقل کرده است، زیرا مطابق نقل صاحب ریاض ابن ابی قره کتابی به نام «مزار» داشته است.

### توثیق ابن مشهدی

او از شاگردان احمد بن ادریس به شمار آمده و از او روایت نقل کرده است. و از آنجا که شیخ مفید از او روایت نقل کرده می‌توان او را از مشایخ شیخ مفید دانست.

درباره وثاقت وی باید گفت: هر چند پیرامون بزوفری در کتب رجال توثیق خاصی وارد نشده است، ولی از آنجا که از مشایخ روایی شیخ مفید بوده و در موارد زیادی برای وی رضا و رحمت خداوند را طلب کرده است، می‌توان بدون تردید گفت: قواعد توثیق عام، شامل حال وی می‌گردد.

### دعای ندبه از کدامین امام است؟

ظاهر این است که این دعا از جانب امام صادق علیه السلام انشا شده است، همان گونه که مرحوم مجلسی به آن حضرت نسبت می‌دهد. و اما این که در برخی از

مصادر این گونه آمده که این دعا برای صاحب الزمان است، ممکن است این گونه توجیه کنیم که: این دعا، دعایی است که برای وجود مقدس امام زمان علیه السلام انشا شده است نه این که این دعا از طرف آن حضرت انشا شده باشد.

هرچند برخی خواسته‌اند احتمال اول را به خاطر ناسازگاری برخی از مضامین دعا، یا صدور آن از جانب امام صادق علیه السلام مردود سازند، ولی برای اهل تحقیق روشن است که این اشکالات قابل توجیه است، زیرا نظیر چنین مضامینی در موارد دیگر از امام صادق علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام نیز نقل شده است.<sup>۱</sup> و نیز احتمال دارد که بزوفری از پدرش حسین بن علی بن سفیان که از علما و راویان بزرگ قرن چهارم که هم عصر و زمان غیبت صغرا بوده نقل کرده و او هم به وسیله نواب اربعه از راه مکاتبه و توقیح با امام زمان علیه السلام در ارتباط بوده و این دعا را در کتاب خود آورده و سپس به دست فرزندش ابوجعفر بزوفری رسیده است.

ممکن است برخی اشکال کنند که این دعا انشای برخی از علمای شیعه بوده است. ولی این احتمال از جهاتی باطل است:

۱ - بزوفری در ادامه روایت این چنین آورده است: «وِیَسْتَحِبُّ أَنْ يَدْعِيَ بِهِ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ». ظاهر این کلمه می‌رساند که این دعا از جانب معصوم صادر شده است، زیرا محکوم کردن هریک از افعال و اذکار به هریک از احکام خمس (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحت) از امور توقیفی است که فقط باید از جانب اولیای معصوم خداوند صورت پذیرد.

۲ - این که برای قرائت این دعا زمان خاص (اعیاد اربعه) ذکر شده خود دلیل بر آن است که از جانب معصوم صادر شده است؛ زیرا در غیر این صورت نمی‌تواند از چنین ویژگی خاصی برخوردار باشد.

۳ - رسم علما چنین بوده که هرگاه دعا یا زیارتی را خود انشا می‌کردند متذکر می‌شدند تا بر مردم مشتبه نگردد، از باب نمونه:

الف. شیخ صدوق در «من لایحضره الفقیه» زیارتی را برای فاطمه زهرا علیها السلام که از انشاهای خود اوست نقل کرده و می‌گوید: من آن را در سفر حج در مدینه در کنار قبر فاطمه زهرا علیها السلام قرائت کردم. ولی آن را به این صورت در اخبار نیافتیم...<sup>۱</sup>

ب. سید بن طاووس در «الاقبال» می‌گوید: «فصلی است درباره آنچه آن را ذکر می‌کنیم از دعایی که آن را انشا کردیم، آن را هنگام تناول طعام ذکر می‌کنیم».<sup>۲</sup>

ج. و نیز می‌فرماید: «واما آنچه هنگام رؤیت هلال شوال گفته می‌شود ما آن را در کتاب «عمل الشعر» در ضمن دعایی که انشا کردیم آوردیم، و این دعا صلاحیت برای تمام ماهها را دارد...».<sup>۳</sup>

و در موارد دیگر نیز در مورد ادعیه‌ای که خود انشا کرده چنین تعبیراتی آورده است.<sup>۴</sup>

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۲ - ۵۷۴؛ بخارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۹۶، ج ۱۳.

۲. اقبال الاعمال، ص ۱۱۵. ۳. همان، ص ۳۰۵.

۴. مهج الدعوات، ص ۳۰۳ و ۳۳۶ و ۳۴۸؛ امان الأخطار، ص ۱۷.



۴ - ابن مشهدی در «المزار» می‌گوید: «من در این کتاب خود از فنون زیارات، اخباری را جمع کردم که به واسطهٔ راویان ثقه و مورد اعتماد به سادات متصل شده‌اند»<sup>۱</sup>.

۵ - در صورتی که جمله «انه الدعاء لصاحب الامر» را به معنای انشا از امام زمان علیه السلام بدانیم می‌توانیم آن را از توقیعات حضرت به بزوفری بدانیم.

### ارتباط امام زمان علیه السلام با کوه رَضَوی و ذی طوی

امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کبرا مکان خاصی ندارد، نه در کوه رَضَوی مخفی است و نه در ذی طوی و نه در سرداب مقدس. آری برخی از فرقه‌های کیسانیه که منقرض شده‌اند معتقد بودند که محمد بن حنفیه در کوه رَضَوی مخفی است. پس چه ارتباطی با این دو کوه و امام زمان علیه السلام وجود دارد که در دعای ندبه به آن اشاره شده است؟

پاسخ: قبل از پاسخ اشکال باید بدانیم که رَضَوی و ذی طوی چه مکانی است؟

ذی طوی اسم مکانی است داخل حرم که حدود یک فرسخ تا مکه فاصله دارد، و از آنجا خانه‌های مکه پیدا است.<sup>۲</sup>

و رَضَوی کوهی از کوه‌های مدینه منوره است در نزدیکی ینبع، که فاصله بین آن کوه تا مدینه چهل میل است. در مدح و فضیلت آن کوه روایاتی وارد شده است.

۲. مجمع البحرین.

۱. المزار، ص ۱۶.

در جواب سؤال فوق می‌گوییم: آری ما معتقدیم که حضرت علیه السلام مکان معینی در عصر غیبت ندارد و روایات و ادعیه این مطلب را تأیید می‌کند، ولی این جمله به معنای آن نیست که حضرت در کوه رضوی یا در منطقه ذی طوی مخفی است، بلکه معنایی کنایی دارد به این معنا که برای حضرت هیچ مکان معینی نیست، و لذا این جمله هیچ ارتباطی با عقیده کیسانیه ندارد.

و اما این که چرا این دو مکان به طور خصوص در این دعا ذکر شده، به جهت تقدس و تیزک این دو مکان است، و ثابت شده که حضرت علیه السلام در این دو مکان زیاد تردد داشته‌اند.

و ممکن است که در ذکر این منطقه اشاره به این نکته باشد که حتی این دو موضع که مورد اهتمام کیسانیه است تحت تصرف امام مهدی علیه السلام و محل تردد آن حضرت است. و یا این که مقصود از ذی طوی مکه مکرمه و رضوی مدینه منوره باشد، آن گونه که در کتاب «اخبار مکه» اشاره شده است.

### عدم تصریح به نام تمام امامان

گاهی گفته می‌شود چرا اسامی تمام امامان در این دعا ذکر نشده است؟

پاسخ: تصریح نشدن به اسامی و عدد دوازده امام از قوت متن آن نمی‌کاهد. در عین حال گرچه تصریح به نام هر یک از آن‌ها نشده ولی به طور کلی و اجمالی به مصائبی که آن‌ها در راه هدایت خلق متحمل شده‌اند اشاره کرده است. آنجا که می‌گوید: «لم یمثل أمر رسول الله صلی الله علیه و آله فی الهادین بعد الهادین...» یا آنجا که می‌فرماید: «فقتل من قتل وسبی من سبی وأقصى من أقصى».

این عبارات اشاره به مصائبی دارد که هر یک از امامان در راه هدایت خلق متحمل شده‌اند.

و نیز در جایی دیگر می‌فرماید: «أین الحسن أین الحسین، أین أبناء الحسین...».

### مخالفت با معراج جسمانی

برخی می‌گویند: جمله «وعرجت بروحه إلی سمائك» که در دعای ندبه آمده مخالف با اجماع و آیات و روایاتی است که دلالت بر معراج جسمانی دارد، لذا از این جهت درصدد برآمده‌اند تا در انتساب این دعا به امام خدشه وارد کنند.

پاسخ: صحیح در این جمله: «عرجت به إلی سمائك» است نه «بروحه» و لذا دلالت بر معراج روحانی ندارد. شاهد این مطلب چند قرینه است:

- ۱ - محدث نوری رحمته الله در کتاب «تحیة الزائر» می‌گوید: در نسخه‌ای که من از مزار محمد بن مشهدی دارم: «عرجت به إلی سمائك» ثبت شده است.<sup>۱</sup>
- ۲ - شیخ عباس قمی رحمته الله نیز در کتاب «هدیة الزائر» عبارت استاد خود حاجی نوری را نقل کرده و آن را تأیید نموده است.
- ۳ - الآن نیز نسخه‌ای خطی و نفیس از کتاب مزار محمد بن مشهدی موجود است که در آن «وعرجت به» ثبت شده است.
- ۴ - جمله‌های دیگر در دعا نیز مؤید معراج جسمانی است از قبیل: «وأوطأته مشارقک ومغاریک» و «سخرت له البراق».

۱. تحیه الزائر، ص ۲۶۰.

۵ - بر فرض صحّت نسخه «وعرجت بروحه» این جمله دلالت بر معاد روحانی فقط ندارد، از باب استخدام لفظ موضوع برای جزء و اراده کل، مقصود معراج جسمانی و روحانی است. از قبیل این که گفته می شود: «روحی لك الفداء». مرحوم حاج میرزا ابوالفضل تهرانی می گوید: «گاهی کلمه روح را در معنای جسم با روح به کار می برند به جهت ارتباط بین حال و محلّ یا علاقه ملابست که بین آن دو است...»<sup>۱</sup>.

### تألیفات درباره دعای ندبه

- دانشمندان و محققان این دعای شریف را مورد توجه خود قرار داده و بر آن شروح و حواشی نوشته اند. اینک به برخی از آنها اشاره می کنیم:
- ۱ - «شرح دعای ندبه» از صدرالدین محمد حسنی مدرس یزدی.
  - ۲ - «عقد الجمان لندبة صاحب الزمان» از میرزا عبدالرحیم تبریزی.
  - ۳ - «وسيلة القربة في شرح دعاء الندبة» از شیخ علی خوئی.
  - ۴ - «شرح دعای ندبه» از ملا حسن تربتی سبزواری.
  - ۵ - «النخبة في شرح دعاء الندبة» از سید محمود مرعشی.
  - ۶ - «شرح یا ترجمه دعای ندبه» از سردار کابلی.
  - ۷ - «معالم القربة في شرح دعاء الندبة» از محدث ارموی.
  - ۸ - «وظائف الشيعة في شرح دعاء الندبة» از ادیب اصفهانی.
  - ۹ - «كشف الكربة» از محدث ارموی.

۱. شفاء الصدور في شرح زيارة العاشور، ص ۱۰۸.

- ۱۰ - «نوید بامداد پیروزی» از موسوی خرم آبادی.
  - ۱۱ - «شرح و ترجمه دعای ندبه» از محبّ الاسلام.
  - ۱۲ - «نصرة المسلمين» از عبدالرضا خان ابراهیمی.
  - ۱۳ - «فروع الولاية» از آیت الله صافی.
  - ۱۴ - «الكلمات النخبة» از عطایی اصفهانی.
  - ۱۵ - «رسالة حول دعاء الندبة» از محمد تقی تستری.
  - ۱۶ - «رسالة حول دعاء الندبة» از میرجهانی اصفهانی.
  - ۱۷ - «سند دعاء الندبة» از سید یاسین الموسوی.
  - ۱۸ - «شرحی بر دعای ندبه» از علوی طالقانی.
- و دیگر شروح و رساله‌ها در رابطه با دعای ندبه.

### دعاهای دیگر در عصر غیبت

ادعیه درباره امام زمان علیه السلام بسیار است، که می‌توان به برخی از آنها

فهرستوار اشاره نمود:

- ۱ - دعایی از امام صادق علیه السلام.<sup>۱</sup>
- ۲ - دعای غریق.<sup>۲</sup>
- ۳ - دعای بعد از هر فریضه در ماه رمضان.
- ۴ - دعای عهد صغیر.<sup>۳</sup>

۱. کمال الدین، ص ۳۴۲، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، ج ۷۰.  
 ۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۸، ج ۲۳. ۳. همان، ج ۸۶، ص ۶۱.

- ۵- دعای عهد.<sup>۱</sup>
- ۶- دعا بعد از نماز ظهر.<sup>۲</sup>
- ۷- دعا بعد از نماز عصر.<sup>۳</sup>
- ۸- دعای شب نیمه شعبان.<sup>۴</sup>

### مکان‌های سفارش شده برای دعا در عصر غیبت

مطابق روایات در برخی از مکان‌های مقدس سفارش خاص به جهت دعا

برای امام زمان علیه السلام شده است، از آن جمله:

- ۱- مسجد الحرام.<sup>۵</sup>
- ۲- سرداب مقدس.
- ۳- مقامات منسوب به حضرت از قبیل مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد صعصعه و مسجد جمکران.
- ۴- حرم امام حسین علیه السلام.<sup>۶</sup>
- ۵- حرم امام رضا علیه السلام.<sup>۷</sup>
- ۶- حرم عسکریین علیهم السلام در سامرا.<sup>۸</sup>
- ۷- حرم هریک از امامان به طور عموم.<sup>۹</sup>
- ۸- عرفات در محل وقوف.<sup>۱۰</sup>

---

۱. البلد الامین، ص ۸۲	۲. همان، ص ۱۳
۳. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۷، ح ۱۸	۴. مفاتیح الجنان، ص ۱۶۶
۵. کمال الدین، ص ۴۴۰	۶. کامل الزیارات، ص ۲۳۰، ح ۱۷
۷. همان، ص ۳۳۱	۸. همان، ص ۳۱۳
۹. همان، ص ۳۱۵	۱۰. زاد المعاد

### فلسفه توسل به امام زمان علیه السلام

توسل، وسیله و واسطه قرار دادن چیزی بین خود و مطلوب است. وسیله بر دو نوع است: گاهی از امور مادی است، مثل آب و غذا که وسیله رفع تشنگی و گرسنگی است. و زمانی نیز از امور معنوی است، مثل گناه کاری که خدا را به مقام و جاه یا حقیقت پیامبر صلی الله علیه و آله قسم می دهد تا از گناهش بگذرد. در هر دو صورت وسیله لازم است؛ زیرا خداوند متعال جهان آفرینش را به بهترین صورت آفریده است، آنجا که می فرماید: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ»؛ «آن خدایی که همه چیز را به بهترین صورت آفرید.»

جهان براساس نظم علت و معلول و اسباب و مسببات، برای هدایت و رشد و تکامل انسان ها آفریده شده است و نیازمندی های طبیعی بشر با عوامل و اسباب عادی برآورده می گردد. فیوضات معنوی خداوند همچون هدایت، مغفرت و آمرزش نیز براساس نظامی خاص بر انسان ها نازل می شود و اراده حکیمانه خداوند بر این تعلق گرفته که امور از طریق اسباب خاص و علل معین به انسان ها برسد.

بنابراین، همان گونه که در عالم ماده نمی توان پرسید: چرا خداوند متعال زمین را با خورشید نورانی کرده و خود بی واسطه به چنین کاری دست نزده است؟ در عالم معنا نیز نمی توان گفت: چرا خداوند مغفرت خویش را به واسطه اولیای الهی شامل حال بندگان می کند.

شهادت مطهری علیه السلام می فرماید: «فعل خداوند دارای نظام است. اگر کسی بخواهد به نظام آفرینش اعتنا نداشته باشد گمراه است. به همین جهت است که خدای متعال گناه کاران را ارشاد فرموده است که در خانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بروند و علاوه بر این که خود طلب مغفرت کنند، از آن بزرگوار بخواهند که برای ایشان طلب مغفرت کند. قرآن کریم می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾؛ «اگر ایشان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر هم برای ایشان طلب مغفرت می کرد، خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.»<sup>۲</sup>

از همین رو می بینیم که در قرآن و سنت تأکید فراوانی بر وسیله و توسل شده است. خداوند متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾؛<sup>۳</sup> «ای مؤمنین! تقوا پیشه کنید و برای رسیدن به او وسیله طلب نمایید.»

اثر و فایده دیگری که در توسل به اولیای الهی خصوصاً ذوات مقدسه اهل بیت علیهم السلام است این که مردم به جهت دریافت فیوضات الهی به واسطه آنان، نه تنها به مقام شامخ آن ها از نبوت یا امامت یقین حاصل می کنند، بلکه از باب این که «الانسان عبید الاحسان» فرمان بردار دستورات آن ها که همان دستورات خداوند است می شوند.

۲. مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۶۴.

۱. سوره نساء، آیه ۶۴.

۳. سوره مائده، آیه ۳۵.



## نهی از عجله

در روایات فراوان به مسأله دعا برای تعجیل فرج حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است و در برخی روایات دیگر از عجله کردن و استعجال نهی شده است. از جمله: «هلك المستعجلون»؛ «کسانی که عجله کردند هلاک شدند». ممکن است کسی بگوید بین این دو دسته روایات اختلاف و تنافی وجود دارد؟ ولی در جواب می‌گوییم: خیر؛ زیرا:

اولاً: استعجال در ظهور، اصرار زیاد بر فرج حضرت بدون تمهید مقدمات و شرایط و زمینه‌هاست، ولی دعا برای ظهور حضرت، با تمهید مقدمات و شروط است.

ثانیاً: نفس دعا برای تعجیل فرج در ظهور حضرت تأثیر به سزایی دارد، به این معنا که خود دعا می‌تواند به منزله جزء علت تامه در تسریع ظهور تأثیر به سزایی داشته باشد.

## دعای عهد

مطابق روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آمده است که: «هرکس چهل صبح دعای عهد را بخواند از یاوران «قائم» ما باشد، و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند او را از قبر بیرون آورد تا در خدمت آن حضرت باشد...»<sup>۱</sup>

در مورد سؤال فوق می‌گوییم:

اولاً: این آثار ممکن است مقید باشد به این که اعمال و رفتار دیگر نیز درست و مطابق موازین شرع باشد، زیرا انسان باید با حقیقت این دعا انس داشته باشد تا بتواند با خدای خود عهد کند.

ثانیاً: ممکن است که خواندن دعای عهد گرچه از شخصی باشد که انسان بدی است ولی خداوند متعال به برکت این دعا او را متحول می گرداند و با خواندن این دعا در چهل روز و عهد قلبی با حضرت مهدی علیه السلام چنان تحولی اساسی در وجود او ایجاد شود که به این قابلیت برسد که بتواند از اصحاب حضرت شود.

ولایت تکوینی

امام زمان «علیه السلام»

از جمله مباحثی که بین متکلمان مطرح بوده و هست، ولایت تکوینی امام است. ولایت چیست و ولایت تکوینی چه معنایی دارد؟ آیا کسان دیگری غیر از انبیا و ولایت تکوینی یعنی حق تصرف در نظام تکوین را دارند؟ در این جا به توضیح و شرح این موضوع می پردازیم.

## تعریف ولایت

فیومی می گوید: «وَلِيٌّ مِثْلُ قُلْسٍ بِهْ مَعْنَى قُرْبٍ اسْتِ وَوَلَايَةٌ بِهْ كَسْرَةٍ وَفَتْحَةٍ وَ «وَاو» بِهْ مَعْنَى نَصْرَتِ اسْتِ.»<sup>۱</sup>

جوهری می گوید: «وَلِيٌّ بِهْ مَعْنَى قُرْبٍ وَتَزْدِيكٍ شَدْنِ اسْتِ... وَهَرَكْسِ امْرٍ شَخْصِيٍّ رَا مَتَكْفَلٍ شُوْدٍ وَازِ عَهْدَةٍ اَنْ بَرِ اَيْدِ، وَوَلِيٌّ اَوْ خَوَاهِدُ بُوْد... وَوَلَايَةٌ بِاِ كَسْرَةٍ «وَاو» بِهْ مَعْنَى سُلْطَانٍ وَنِيْزَ بِاِ كَسْرَةٍ وَفَتْحَةٍ «وَاو» بِهْ مَعْنَى نَصْرَتِ اَمْدَةٍ اسْتِ.»<sup>۲</sup>

در اقرب الموارد آمده است: «الولي حصول الثاني بعد الأوّل من غير فصل؛ وَلِيٌّ عِبَارَتٌ اسْتِ از قَرَارِ گِرْفَتِنِ فِرْدِ يَا شَيْءٍ دُوْمِ بِهْ دَنْبَالِ فِرْدِ يَا شَيْءٍ اَوَّلِ بَدُوْنِ فَاوْصَلِهِ. وَوَلِيٌّ الشَّيْءِ وَعَلَيْهِ وَوَلَايَةٌ وَوَلَايَةٌ: يَعْنِي مَالِكِ امْرٍ اَنْ شُدَّ وَبَرِ اَنْ

۲. صحاح اللغة، مادة ولي.

۱. مصباح المنير، مادة ولي.

قیام کرد. یا آن که ولایت با فتح و کسر - هر دو - به معنای امارت و سلطنت است...»<sup>۱</sup>

راغب اصفهانی می‌گوید: «الْوَلَاءُ وَالتَّوَالِي أَنْ يَحْصُلَ شَيْئَانِ فَصَاعِدًا حَصُولًا لَيْسَ بَيْنَهُمَا مَا لَيْسَ مِنْهُمَا»؛ «ولاء و توالی به معنای آن است که دو چیز و یا بیشتر از آن، طوری قرار گیرند و واقع شوند که بین آن دو، غیر از خود آن‌ها، چیز دیگری نبوده باشد.»<sup>۲</sup>

علامه طباطبایی رحمته الله در معنای اصطلاحی «ولایت» می‌فرماید: «ولایت، آخرین درجه کمال انسان است و آخرین منظور و مقصود از تشریح شریعت حق خداوندی است.»<sup>۳</sup>

همو در تفسیر المیزان می‌گوید: «اصل معنای ولایت برداشته شدن واسطه‌ای است که بین دو چیز حائل شده باشد، به طوری که بین آن دو، غیر از آن‌ها واسطه‌ای باقی نماند و سپس برای نزدیکی چیزی به چیز دیگر به چند صورت، به کار گرفته شده است: قرب نسبی، مکانی، منزلتی، صداقت و غیر این‌ها. به همین مناسبت بر هر یک از دو طرف ولایت، ولی گفته می‌شود؛ بالأخص به جهت آن که هر یک از آن دو نسبت به دیگری دارای حالتی است که غیر آن ندارد. بنابراین خداوند سبحان ولی بنده مؤمن خود است؛ امورش را زیر نظر دارد و شئون وی را تدبیر می‌کند، او را در صراط مستقیم هدایت می‌نماید، امور وی را در عهده‌دار و او را در دنیا و آخرت یاری می‌کند.

۱. اقرب الموارد، مادة ولی.

۲. مفردات راغب، مادة ولی.

۳. مفردات راغب، مادة ولی.

مؤمن حقیقی و واقعی نیز ولی پروردگار است، زیرا خود را اوامر و نواهی خداوند تحت ولایت او در می‌آورد؛ همچنین در تمامی برکت‌های معنوی: هدایت، توفیق، تأیید، تسدید و آنچه در پی دارد، از مکرم شدن به بهشت و مقام رضوان خداوند، تحت ولایت و پذیرش خداوند خود است...»<sup>۱</sup>

### معنای ولایت تکوینی

مقصود از ولایت تکوینی این است که فردی بر اثر پیمودن راه‌بندگی آن چنان کمال و قرب معنوی پیدا کند که به فرمان و اذن الهی بتواند در جهان و انسان تصرف کند.

«ولایت تکوینی» یک کمال روحی و معنوی است که در سایه عمل به نوامیس خدایی و قوانین شرع در درون انسان پدید می‌آید و سرچشمه مجموعه‌ای از کارهای خارق العاده می‌گردد. این نوع ولایت بر خلاف «ولایت تشریحی» کمال و واقعیتی است اکتسابی و راه کسب برخی از مراتب آن به روی همه باز است، ولی مقاماتی که در «ولایت تشریحی» بیان گردیده همگی موهبت خداوندی است که پس از تحصیل یک سلسله زمینه‌ها، چیزی جز خواست خداوند در آن دخالت ندارد.

### توجه به باطن

انسان از دو جز به نام تن و روان آفریده شده است؛ به عبارت دیگر،

انسانیت انسان، منحصر به جسم و تن نیست، بلکه باطن و جانی دارد که واقعیت او را تشکیل می‌دهد و اگر بر سر راه تکامل انسان، از نظر جسم و ماده محدودیت‌هایی وجود دارد، سر راه تکاملش از نظر روح و معنا چنین محدودیتی نیست، بلکه او از این نظر آمادگی بیشتری برای ترقی و تعالی دارد؛ چه بسا در پرتو اطاعت خدا و پیمودن راه حق می‌تواند قلّه‌های بس بلندی را فتح و تسخیر کند. هرگاه انسان از شدت توجه‌اش به امور مادی و لذایذ جسمانی بکاهد و به درون‌گرایی و باطن‌نگری بپردازد، در این موقع می‌تواند نیروهای نهفته باطنی خویش را آشکار سازد و بر قدرت و توانایی‌اش بیفزاید.

### اثر بندگی خدا

از نظر آیین اسلام انسان دو نوع زندگی دارد: ظاهری و معنوی «حیات ظاهری» همان زندگی حیوانی است که تمام بشر را در بر می‌گیرد و اسلام برای جلوگیری از هر نوع افراط و تفریط، برنامه خاصی برای این نوع زندگی تنظیم کرده است. برنامه اسلام، علاوه بر این که بهزیستی انسان را در جهان ماده فراهم می‌سازد، راه را برای تحقق حیات معنوی نیز هموار می‌کند.

«حیات معنوی» از اعمال و نیت‌های انسان سرچشمه می‌گیرد و چنین حیاتی، سعادت و خوش‌بختی یا شقاوت و بدبختی را در پی دارد. بنابراین، حرکات و رفتار و کردار بشر، سازنده حیات معنوی و پدید آورنده قدرت روحی است که نتیجه آن سعادت و تعالی انسان و یا شقاوت و بدبختی او است.

در پس پرده زندگی ظاهری، واقعیتی زنده و حیاتی معنوی نهفته که

سرچشمه تمام خوش بختی‌ها می‌باشد و آن، «ولایت» است که در افراد انسان به طور متفاوت پدید می‌آید و مبدأ یک سلسله آثار شگرف می‌گردد. «اطاعتِ خدا» مایه «قرب الهی» و مخالفت با دستورهایش سبب دوری از او می‌شود.

### قرب الهی

مقصود از قرب و تقرب الهی، نزدیکی از نظر مکان نیست، زیرا خداوند جهان جسم و جسمانی نبوده و دارای مکان نیست؛ تا بنده‌ای از نظر مکان به او نزدیک‌تر گردد، اما در عین حال او به ما، از خود ما نزدیک‌تر است؛

همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: **وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ؛**

«ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم».

ممکن است سؤال شود: اگر خدا مکان ندارد و چنین تقرب‌ی ممکن نیست،

پس مقصود از قرب الهی و نزدیکی بنده به خدا چیست؟

در پاسخ باید گفت: خداوند جهان، کمال مطلق و نامحدود است و پویندگان راه عبودیت و بندگی در پرتو کمالاتی که از این راه به دست می‌آورند، سرانجام خائز کمال می‌شوند و از دیگران، که فاقد این نوع کمال‌اند، مقرب‌تر و نزدیک‌تر به خدای تعالی می‌گردند.

در جهان آفرینش هرکسی به تناسب کمال وجود خویش، قربی به ذات پروردگار دارد پس هر فردی که از نظر وجود کامل‌تر باشد به ذات الهی که کمال محض و نامتناهی است، مقرب‌تر و نزدیک‌تر خواهد بود.



وقتی می‌گوییم: خداوند کمال مطلق و نامتناهی است، مقصود از آن، صفات جمال خدا از قبیل: علم، قدرت، حیات و اراده است. هرگاه بنده‌ای در پرتو پیمودن راه اطاعت، گام در درجات کمال می‌گذارد و از نردبان کمال بالا می‌رود، مقصود این است که کمال وجودی بیشتر، علم و قدرتی زیاده‌تر، اراده‌ای نافذتر و حیاتی جاودانه‌تر یافته است. در این صورت می‌تواند از فرشته بالاتر رفته و از کمالات بشری بهره‌مند گردد.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی به مقامات بلند سالکان راه حق و پویندگان راه عبودیت و بندگی اشاره نموده، سخن پروردگار را چنین نقل می‌فرماید: «ما تقرب إلى عبد بشيء أحب إلى مما افترضت عليه وإنه لیتقرب إلى بالنافلة حتى أحبه، فإذا أحببته كنت سمعه الذي يسمع به وبصره الذي ينطق به ویده التي یبیطش بها، إن دعانی أحبته، وإن سألتنی أعطیته»؛ «هیچ بنده‌ای با کاری به من تقرب نجسته که محبوب‌تر از انجام فرایض بوده باشد. بنده من با بجای آوردن نمازهای نافله آن چنان به من نزدیک می‌شود که او را دوست می‌دارم. وقتی او محبوب من گردد، من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود. و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند. و زبان او می‌گردم که با آن سخن می‌گوید. و دست او می‌شوم که با آن حمله می‌کند. هرگاه مرا بخواند اجابت می‌کنم و اگر چیزی از من بخواهد می‌بخشم».

در سایه اطاعت از خدا قدرت درونی انسان به حدی می‌رسد که با قدرت الهی صداهایی را می‌شنود که با نیروی عادی قادر به شنیدن آن نیست. صور

و اشباحی را می‌بیند که دیدگان عادی را یارای دیدن آن‌ها نیست. مقصود از این‌که خداوند چشم و گوش او می‌گردد، آن است که دیده‌اش در پرتو قدرت الهی نافذتر و گوشش شنواتر و قدرتش گسترده می‌گردد.

در مصباح الشریعه آمده است: «العبودیة جوهرة کنهها الربوبیة<sup>۱</sup>؛ «بندگی و پیمودن راه قرب به خدا، گوهری است که نتیجه آن خداوندگاری و کسب قدرت و توانایی بیشتر است.»

در این جمله مقصود از «ربوبیت» خدایی کردن نیست، زیرا هیچ‌گاه بشر نمی‌تواند از حدود امکانی تجاوز کند، بلکه مقصود از «خداوندگاری» کسب کمالات بیشتر و قدرت و نیروهای بالاتر است.

## آثار قرب الهی

قرب الهی آثار فراوانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### ۱ - تسلط بر نفس

خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ<sup>۲</sup>؛ «نماز انسان را از بدی‌ها و منکرها باز می‌دارد.»

و نیز می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ<sup>۳</sup>؛ «روزه را بر شما پسان پیشینیان واجب کردیم تا پرهیزگار شوید.»

۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۱. مصباح الشریعه، حدیث اول.

۳. سوره بقره، آیه ۱۸۳.

## ۲ - بینش خاص

از مزایای قرب الهی این است که انسان در سایه صفا و روشنایی دل، بینش خاصی پیدا می‌کند که با آن حق و باطل را به روشنی تشخیص می‌دهد و هرگز گمراه نمی‌شود. قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»؛<sup>۱</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر پرهیزکار باشید خدا به شما نیرویی می‌بخشد که با آن، حق و باطل را به خوبی تشخیص می‌دهید».

مقصود از «فرقان» بینش خاصی است که سبب می‌گردد انسان حق و باطل را خوب بشناسد.

در آیه دیگر می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»؛<sup>۲</sup> «کسانی که در راه ما سعی و کوشش کنند، آنان را به راه‌های خویش رهبری می‌کنیم».

و نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرِسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ»؛<sup>۳</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از مخالفت با خدا پرهیزید و به پیامبر او ایمان بیاورید. [خداوند] دو سهم از رحمت خویش را به شما می‌دهد و برای شما نوری قرار می‌دهد که با آن راه بروید».

## ۳ - نفی خواطر

پویندگان راه عبودیت به واسطه تکامل و قدرتی که در سایه بندگی می‌یابند بر تمام اندیشه‌های پراکنده خود مسلط می‌شوند و در حال عبادت آن چنان

۲. عنکبوت (۲۹) آیه ۶۹.

۱. انفال (۸) آیه ۲۹.

۳. حدید (۵۷) آیه ۲۸.

تمرکز فکری و حضور قلب دارند که از غیر خدا غافل می‌شوند و غرق جمال و کمال خدا می‌گردند.

ابوعلی سینا می‌گوید: «عبادت، نوعی ورزش برای قوای فکری است که بر اثر تکرار و عادت به حضور در محضر خدا، فکر را از توجه به مسائلی مربوط به طبیعت و ماده به سوی تصورات ملکوتی می‌کشاند. قوای فکری تسلیم باطن و فطرت خداجوی انسان می‌گردد و مطیع او می‌شوند.»<sup>۱</sup>

#### ۴ - خلع نفس

در جهان طبیعت، روح و بدن به یکدیگر نیازی شدید دارند. از آن جا که روح بر بدن علاقه‌تدبیری دارد، بدن را از فساد و خرابی باز می‌دارد. از طرف دیگر، روح در فعالیت خود به بدن نیازمند است و در پرتو اعضا و جوارح بدنی می‌تواند بشنود، ببیند و...

اما گاهی روح، بر اثر کمال و قدرتی که از جانب قرب الهی پیدا می‌کند، از استخدام بدن بی‌نیاز می‌شود و می‌تواند خود را از بدن «خلع» کند.

#### ۵ - تصرف در جهان طبیعت

در پرتو عبادت و قرب الهی، نه تنها حوزه بدن تحت فرمان انسان قرار می‌گیرد، بلکه جهان طبیعت مطیع انسان می‌گردد و به اذن پروردگار جهان در پرتو نیرو و قدرتی که از تقرب به خدا کسب نموده است، در طبیعت تصرف می‌کند و مبدأ یک سلسله معجزه‌ها و کرامات می‌شود و در حقیقت، قدرت بر تصرف و تسلط بر تکوین می‌یابد.

## قرآن و ولایت تکوینی اولیای الهی

با مراجعه به قرآن می‌توان شواهدی بر ولایت تکوینی اولیا اقامه نمود:

۱ - خداوند متعال از قول حضرت یوسف علیه السلام خطاب به برادرانش نقل می‌کند: «اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقَوَّةُ عَلَيَّ وَجِهَ أَبِي يَأْتِ بِصِيرَاءٍ»؛<sup>۱</sup> «بروید و پیراهنم را بر چهره پدرم بیفکنید تا او نعمت بینایی خود را باز یابد».

در آیه دیگر می‌فرماید: «فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بِصِيرَاءٍ»؛<sup>۲</sup> «هنگامی که مژده رسان آمد و پیراهن یوسف را بر صورت وی افکند، او بینایی خود را باز یافت».

از این آیه استفاده می‌شود که اراده و خواست و قدرت روحی حضرت یوسف علیه السلام در بازگردانیدن بینایی پدر خویش، مؤثر بوده است.

۲ - خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ»؛<sup>۳</sup> «به یاد آر هنگامی را که موسی برای قوم خود آب طلبید ما به او دستور دادیم عصای خود را بر سنگی زند، ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون آمد همه بنی اسرائیل آبشخور خود را دانستند».

۳ - می‌دانیم که حضرت سلیمان، ملکه سبا را احضار نمود، ولی پیش از آن که وی به حضور سلیمان برسد، سلیمان در مجلس خود به حاضران فرمود: «يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ»؛<sup>۴</sup> «ای

۱. سوره یوسف، آیه ۹۳.

۲. همان، آیه ۹۶.

۳. بقره (۲) آیه ۶۰.

۴. نمل (۲۷) آیه ۳۸.

جمعیت! کدام یک از شما می تواند تخت بلقیس را برای من بیاورد پیش از آن که [بلقیس و همراهان] مطیعانه وارد شوند؟» یک نفر از حاضران در مجلس گفت: «أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ»<sup>۱</sup>؛ «پیش از آن که تو از جای خود برخیزی من آن را می آورم و من بر این کار توانا و امینم».

فرد دیگری به نام «أصف بن برخیا» اعلام کرد که در یک چشم به هم زدن می تواند آن را بیاورد؛ چنان که خداوند می فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآه مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي»<sup>۲</sup>؛ «کسی که نزد او دانشی از کتاب بود چنین گفت: پیش از آن که تو چشم بر هم بزنی، من آن را در این مجلس حاضر می کنم. ناگهان سلیمان تخت را در برابر خود حاضر دید و گفت: این نعمتی است از جانب خدا بر من».

۴ - قرآن مجید بعضی از کارهای فوق العاده را به حضرت مسیح عليه السلام نسبت می دهد و این می رساند که همه آن کارها از نیروی باطنی و اراده خلاق او سرچشمه می گرفته است؛ چنان که می فرماید: «أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ»<sup>۳</sup> «من برای شما از گل شکل مرغی می سازم و در آن می دمم که به اذن خدا پرنده می شود. کور مادرزاد و پبسی را شفا می دهم و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم».

۲. همان، آیه ۴۰.

۱. همان، آیه ۳۹.

۳. آل عمران (۳) آیه ۴۹.

۵ - قرآن کریم در مورد یکی از معجزات و تصرفات تکوینی حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ»<sup>۱</sup> «نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه و هرگاه نشانه‌ای ببینند روی بگردانند و گویند: سحری دائمی است».

بسیاری از مفسران در بیان شأن نزول آیات فوق آورده‌اند: روزی مشرکان به پیامبر ﷺ گفتند: اگر در ادعای خود راست‌گویی، ماه را برای ما دو نیم کن. رسول خدا ﷺ فرمود: آیا اگر این کار را انجام دهم، ایمان می‌آورید؟ گفتند: آری. پیامبر ﷺ از خدا درخواست کرد تا خواسته‌شان را به او عطا کند. سپس ماه به دو نیم شد.<sup>۲</sup>

حق این است که معجزه فعل ولی خدا است که به اذن و مشیت خداوند انجام می‌گیرد.

بنابراین، مقصود از «انْشَقَّ الْقَمَرُ» در آیه نخست، معجزه و تصرف تکوینی پیامبر ﷺ در انشقاق (دو نیم شدن) ماه است.

شاید چنین پنداریم که انشقاق ماه در این آیات، به دو نیم شدن آن در روز رستاخیز اشاره دارد، ولی قرآینی وجود دارد که برداشت اول را تأیید می‌کند: الف) عبارت «وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا» حاکی از آن است که در این جا مقصود از آیه، آیات قرآنی نیست، بلکه مقصود از آن معجزه است، زیرا قرآن از معجزات پیامبران با الفاظی، همچون: «آیه» و «بیتنه» یاد می‌کند. مناسب بود که در شکل اول، به جای فعل دیدن «یروا» از افعالی، همچون: شنیدن یا

۱. سوره قمر، آیات ۱ و ۲.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۲۳۷.

نزول استفاده شود؛ مثلاً گفته می‌شود: «وان سمعوا» یا «وان نزلت آیه»؛ بنابراین، مقصود از آیه، اعجاز پیامبر ﷺ و انشقاق ماه است.

ب) عبارت «وَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ» نیز، قرینه‌ای بر این معناست که سخن در این آیات راجع به معجزه پیامبر ﷺ است، نه انشقاق ماه در رستاخیز، زیرا در روز قیامت که پهنه ظهور تمام حقایق است کسی سخن باطلی بر زبان نمی‌راند، در حالی که سحر خواندن آیات الهی سخن باطلی است.

حاصل آن که با توجه به قراین یاد شده از یک سو و شأن نزول آیات از سوی دیگر، آیات نخستین سوره قمر به یکی از معجزات و تصرفات تکوینی پیامبر اکرم ﷺ که دو نیم کردن ماه و ناشی از ولایت تکوینی او است، اشاره دارد.

### ولایت تکوینی امام زمان ﷺ

ولایت تکوینی امام زمان ﷺ و سایر امامان را با ذکر چند مقدمه می‌توان به اثبات رسانید:

#### مقدمه اول

گفتیم که حضرت سلیمان به حاضران در مجلس خود گفت: کدام یک از شما می‌تواند تخت بلقیس را برای من بیاورد، پیش از آن که بلقیس و همراهان او مطیعانه وارد شوند... آصف بن برخیا اعلام کرد که در یک چشم بر هم زدن می‌تواند آن را بیاورد؛ خداوند متعال در مورد این داستان می‌فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ



إِنَّكَ طَرَفُكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي؛<sup>۱</sup> کسی که مقداری از علم کتاب داشت، توانست در نظام تکوین تصرف کرده و تاج و تخت بلقیس ملکه سبا را از راه بسیار دور کمتر از یک چشم به هم زدن نزد سلیمان حاضر کند.

از این آیه به خوبی استفاده می‌شود اگر کسی از کتاب خدا اطلاع داشته و به آن عالم باشد، قدرت تصرف در کائنات را دارد که همان ولایت تکوینی است.

### مقدمه دوم

در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: «قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»؛<sup>۲</sup> «بگو تنها گواه بین من و شما، خدا و کسی که دانای حقیقی به کتاب خدا است کافی خواهد بود».

از این آیه استفاده می‌شود خداوند متعال و گروهی دیگر که عالم به کل کتاب‌اند بین پیامبر و مردم شاهد بوده و شهادت خواهند داد. همچنین بر می‌آید جماعتی هستند که عالم به کل کتاب‌اند، زیرا از طرفی لفظ «مَنْ» از موصولات است و لذا دلالت بر عموم دارد. از طرف دیگر «علم» مصدر است و در علم اصول فقه بیان شده که مصدر مضاف مفید عموم است. همچنین طبق نظر برخی مفرد محلی به الف و لام نیز دلالت بر عموم دارد، پس از چند جهت «علم الکتاب» دلالت بر عموم دارد. در نتیجه این که از این جمله استفاده می‌شود که جماعتی هستند که از کل کتاب آگاهی داشته و بدان عالمند.

۱. نمل (۲۷) آیه ۴۰.

۲. رعد (۱۳) آیه ۴۳.

مقدمه سوم

در قرآن کریم می‌خوانیم: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ\* فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ\* لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛<sup>۱</sup> «همانا آن قرآن کریمی است که در کتاب محفوظی جای دارد. و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند».

در «لا یمسّه» دو احتمال است: یکی مسح ظاهری یا اجزای بدن و دیگری، مسح باطنی. همان‌گونه که در «مطهرون» نیز دو احتمال است: یکی طهارت ظاهری با اجزای بدن و دیگری، طهارت باطنی با قلب. با مراجعه به قرآن پی می‌بریم که خداوند متعال لفظ مسح را در هر دو معنا به کار برده است.

الف) مسح ظاهری: خداوند متعال می‌فرماید: «قَالَتْ رَبِّ أَنِّي يَكُونُ لِي وَاَلِدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرًا»؛<sup>۲</sup> «مریم عرض کرد: خدایا مرا چگونه فرزندی تواند بود و حال آن‌که مردی به من نزدیک نشده است».

ب) مسح باطنی: خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا»؛<sup>۳</sup> «چون پرهیزکاران را از شیطان وسوسه و خیالی به دل رسد، همان‌دم خدا را به یاد آرند».

همچنین طهارت نیز در قرآن به دو معنا به کار رفته است: ظاهری و باطنی.

الف) طهارت ظاهری: «وَوَسَّيْنَاكَ فِطْرًا»؛<sup>۴</sup> «ولباست را پاک گردان».

۲. آل عمران (۳) آیه ۴۷.

۴. سوره مدثر، آیه ۴.

۱. واقعه (۵۶) آیات ۷۷ - ۷۹.

۳. اعراف (۷) آیه ۲۰۱.

ب) طهارت باطنی: «يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَيَّ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup>؛ «ای مریم همانا خداوند تو را برگزیده و پاکیزه گردانید و بر زنان جهانیان برتری بخشید».

در مورد آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» در «لا یمسه» دو احتمال وجود دارد، نهی بودن و نفی بودن که هر دو به یک صیغه ادا می‌شود. نهی به این معنا است که قرآن را نباید مس کند، که ظهور در مس ظاهری دارد و در مقابل آن، مقصود به طهارت نیز ظاهری است، و اگر مقصود «نفی» باشد، اخبار است و ظهور در مس باطنی دارد به این معنا که مس نمی‌کند و تماس حاصل نمی‌کند و به تعبیر دیگر، به عمق قرآن نمی‌رسند، مگر کسانی که مطهرند و طبیعتاً طهارت نیز باطنی معنا می‌شود؛ یعنی کسانی که از هر عیب و نقص و گناهی پاک‌اند. در نتیجه معنای آیه این می‌شود: «مس نمی‌کند کتاب محفوظ را مگر کسانی که مطهرند.» به نظر فخر رازی ظهور آیه در مس باطن است.

#### مقدمه چهارم

در این که مطهران چه کسانی‌اند؟ باز به قرآن مراجعه می‌کنیم؛ خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»<sup>۲</sup>؛ «همانا خدا چنین می‌خواهد که هر رجز و پلیدی را از شما خانواده نبوت دور سازد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند».

در این آیه شریفه، مصداق مطهران مشخص و معین شده است؛ آنان کسانی جز اهل بیت پیامبر ﷺ نیستند.

۲. احزاب (۳۳) آیه ۳۳.

۱. آل عمران (۳) آیه ۴۲.

## مقدمه پنجم

در تشخیص مصداق اهل بیت باید به روایات مراجعه کرد، زیرا قرآن می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»؛<sup>۱</sup> «و بر تو قرآن را فرستادیم تا بر امت آنچه فرستاده شد، بیان کنی».

## مقدمه ششم

با مراجعه به روایات فریقین شیعه و سنی پی می‌بریم که مقصود به اهل بیت در آیه شریفه، پیامبر اکرم، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام می‌باشند. اگر چه حصر در آیه اضافی است در مقابل همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بقیه صحابه تا آن‌ها از شمول آیه خارج گردند؛ در نتیجه آیه تطهیر شامل بقیه اهل بیت علیهم‌السلام از دوازده امام نیز می‌شود.

۱ - مسلم به سند خود از عائشه نقل می‌کند: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صبحگاهی از حجره خارج شد، در حالی که بر روی دوش او پارچه‌ای از پشم خیاطی نشده بود. حسن بن علی بر او وارد شد، او را داخل کسا کرد، آن‌گاه حسین وارد شد، او نیز در آن داخل شد. سپس فاطمه وارد شد، او را نیز داخل آن کرد، بعد علی وارد شد، او را نیز داخل کسا نمود؛ آن‌گاه این آیه را تلاوت کرد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»<sup>۲</sup>.

۲ - ترمذی به سند خود از ام‌سلمه نقل می‌کند: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر روی حسن، حسین، علی و فاطمه پارچه‌ای کشید؛ آن‌گاه عرض کرد: بار خدایا اینان

۱. نحل (۱۶) آیه ۴۴.

۲. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰.

اهل بیت من و از خواص من هستند، رجس و پلیدی را از آنان دور کن و پاکشان گردان.<sup>۱</sup>

۳ - همو از عمر بن ابی سلمه، ربیب پیامبر ﷺ نقل می‌کند: هنگامی که آیه تطهیر در خانه ام سلمه بر پیامبر ﷺ نازل شد، فاطمه و حسن و حسین را دعوت نمود و روی آنان کسایی کشید. علی نیز پشت سرش بود؛ آن‌گاه کسا را بر روی همه کشید سپس عرض کرد: بار خدایا! اینان اهل بیت من هستند، رجس و پلیدی را از آنان دور کن و پاکشان گردان. ام سلمه عرض کرد: ای رسول خدا! آیا من هم با آنانم؟ حضرت فرمود: تو در جای خود هستی، تو بر خیری.<sup>۲</sup>

۴ - همچنین به سند خود از انس بن مالک نقل می‌کند: رسول خدا ﷺ تا شش ماه هنگام رفتن به نماز صبح مرتب بر درب خانه فاطمه گذر می‌کرد و می‌فرمود: الصلاة یا اهل البیت: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾.<sup>۳</sup>

۵ - احمد در مستند به سندش از ام سلمه نقل می‌کند: پیامبر ﷺ در حجره او بود، فاطمه با ظرفی از آب گوشت بر پیامبر ﷺ وارد شد. پیامبر ﷺ در حالی که در رختخواب خود نشسته و بر چیزی تکیه داده بود، فرمود: همسر و دو فرزنت را نیز دعوت کن. ام سلمه می‌گوید: من در حجره نماز می‌خواندم؛ در آن هنگام این آیه بر پیامبر ﷺ نازل شد: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ

۱. صحیح ترمذی: ج ۵، ص ۶۵۶. کتاب المناقب.

۲. همان، ص ۳۲۷. کتاب تفسیر القرآن. ۳. همان.

الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً<sup>۱</sup>. ام سلمه می گوید: پیامبر ﷺ گوشه کسا را گرفت و بر روی همه کشاند؛ آن گاه دستانش را به آسمان بلند کرد و عرض کرد: بار خدایا! اینان اهل بیت من و از خواص من هستند، رجس و پلیدی را از آنان دور ساز و پاکشان گردان. ام سلمه می گوید: به رسول خدا ﷺ عرض کردم: آیا من با شما هستم؟ فرمود: تو بر خیری، تو بر خیری.<sup>۱</sup>

### مقدمه هفتم

حصر در آیه تطهیر اضافی است نه حقیقی؛ یعنی طهارت فقط مخصوص شما پنج تن است نه صحابه یا همسران پیامبر ﷺ. و می دانیم که در زمان نزول آیه از معصومین تنها این پنج تن بوده اند و لذا منافات ندارد که آیه تطهیر شامل افرادی شود که از امامان معصوم یکی پس از دیگری بعد از امام حسین ﷺ آمده اند.

نتیجه این که: ائمه اهل بیت ﷺ از آن جمله امام زمان ﷺ ولایت تکوینی دارند.

## سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

- ۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام
- ۲ - امامت در سنین کودکی
- ۳ - امامت و غیبت
- ۴ - غیبت صغری
- ۵ - غیبت کبری
- ۶ - وظایف ما در عصر غیبت
- ۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام
- ۸ - بررسی دعای ندبه
- ۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر
- ۱۰ - دفاع از مهدویت
- ۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی
- ۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان
- ۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان
- ۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث
- ۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل
- ۱۶ - مهدویت و جهانی سازی
- ۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸ - علایم ظهور
- ۱۹ - هنگامه ظهور
- ۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

## فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

- ۱- قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی
- ۲- قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی)
- ۳- قرآن کریم / وزیر (بدون ترجمه)
- ۴- قرآن کریم / وزیر (ترجمه زیر، ترجمه مقابل)
- ۵- قرآن کریم / وزیر، جیبی، نیم جیبی
- ۶- کلیات مفاتیح الجنان / عربی
- ۷- کلیات مفاتیح الجنان / وزیر، جیبی، نیم جیبی
- ۸- منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی
- ۹- منتخب مفاتیح الجنان / جیبی، نیم جیبی
- ۱۰- نهج البلاغه / وزیر، جیبی
- ۱۱- صحیفه مجادیه
- ۱۲- ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام
- ۱۳- آئینه اسرار
- ۱۴- آثار گناه در زندگی و راه جبران
- ۱۵- آخرین پناه
- ۱۶- آخرین خورشید پیدا
- ۱۷- آشنایی با چهارده معصوم (۱ و ۲) / شعر و رنگ آمیزی
- ۱۸- آقا شیخ مرتضی زاهد
- ۱۹- آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم)
- ۲۰- ارتباط با خدا
- ۲۱- از زلال ولایت
- ۲۲- اسلام شناسی و پاسخ به شبهات
- ۲۳- امامت، غیبت، ظهور
- ۲۴- امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام
- ۲۵- امامت و ولایت در امامی شیخ صدوق
- ۲۶- امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیها السلام (روسی)
- ۲۷- امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان
- ۲۸- امام شناسی و پاسخ به شبهات
- خط نیریزی / الهی قمشهای
- خط عثمان طه / الهی قمشهای
- خط عثمان طه
- خط عثمان طه / الهی قمشهای
- خط نیریزی / الهی قمشهای
- انتشارات مسجد مقدس جمکران
- خط افشاری / الهی قمشهای
- خط افشاری / الهی قمشهای
- خط خاتمی / الهی قمشهای
- سید رضی علیه السلام / محمد دشتی
- ویرایش حسین وزیر / الهی قمشهای
- واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- حسین کریمی قمی
- علی اکبر صمدی
- محمود ترجمی
- واحد تحقیقات
- سید حمید رضا موسوی
- محمد حسن سیف الهی
- واحد پژوهش
- واحد تحقیقات
- واحد تحقیقات
- علی اصغر رضوانی
- واحد پژوهش
- علم الهدی / واحد تحقیقات
- سید محمد حسین کمالی
- آلمات آپسالیکوف
- سهراب علوی
- علی اصغر رضوانی



- ۲۹ - انتظار بهار و باران  
 ۳۰ - انتظار و انسان معاصر  
 ۳۱ - اهمیت اذان و اقامه  
 ۳۲ - با اولین امام در آخرین پیام  
 ۳۳ - پیامداد بشریت  
 ۳۴ - بهتر از بهار / کودک  
 ۳۵ - پرچمدار نینوا  
 ۳۶ - پرچم هدایت  
 ۳۷ - پیامبر اعظم ﷺ و تروریسم و خشونت طلبی  
 ۳۸ - پیامبر اعظم ﷺ و جهاد و برده‌داری  
 ۳۹ - پیامبر اعظم ﷺ و حقوق اقلیت‌ها و ارتداد  
 ۴۰ - پیامبر اعظم ﷺ و حقوق زن  
 ۴۱ - پیامبر اعظم ﷺ و صلح طلبی  
 ۴۲ - تاریخ امیر المؤمنین ﷺ / دو جلد  
 ۴۳ - تاریخ پیامبر اسلام ﷺ / دو جلد  
 ۴۴ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی)  
 ۴۵ - تاریخ سیدالشهداء ﷺ  
 ۴۶ - تجلیگاه صاحب الزمان ﷺ  
 ۴۷ - تشریف یافتگان (چهار دفتر)  
 ۴۸ - جلوه‌های پنهانی امام عصر ﷺ  
 ۴۹ - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی ﷺ  
 ۵۰ - چهل حدیث / امام مهدی ﷺ در کلام امام علی ﷺ  
 ۵۱ - چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم ﷺ  
 ۵۲ - حضرت مهدی ﷺ فروغ تابان ولایت  
 ۵۳ - حکمت‌های جاوید  
 ۵۴ - ختم سوره‌های یس و واقعه  
 ۵۵ - خزائن الأشعار (مجموعه اشعار)  
 ۵۶ - خورشید غایب (مختصر نجم الناقب)  
 ۵۷ - خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار)  
 ۵۸ - دار السلام  
 ۵۹ - داستان‌هایی از امام زمان ﷺ  
 ۶۰ - داغ شقایق (مجموعه اشعار)
- واحد تحقیقات  
 عزیز الله حیدری  
 محمد محمدی اشتهاردی  
 حسین ایرانی  
 محمد جواد مروّجی طبسی  
 شمسی (فاطمه) وقائی  
 محمد محمدی اشتهاردی  
 محمدرضا اکبری  
 علی اصغر رضوانی  
 علی اصغر رضوانی  
 علی اصغر رضوانی  
 علی اصغر رضوانی  
 علی اصغر رضوانی  
 شیخ عباس صفایی حائری  
 شیخ عباس صفایی حائری  
 واحد تحقیقات  
 شیخ عباس صفایی حائری  
 سید جعفر میرعظیمی  
 میرزا حسین طبرسی نوری  
 حسین علی پور  
 حسین گنجی  
 سید صادق سیدنژاد  
 احمد سعیدی  
 محمد محمدی اشتهاردی  
 محمد حسین فهیم‌نیا  
 واحد پژوهش  
 عباس حسینی جوهری  
 رضا استادی  
 محمد علی مجاهدی (پروانه)  
 شیخ محمود عراقی میثمی  
 حسن ارشاد  
 علی مهدوی

- ۶۱- در انتظار منجی (روسی)
- ۶۲- در جستجوی نور
- ۶۳- در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم)
- ۶۴- دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شبه‌های پیشاور)
- ۶۵- دلشده در حسرت دیدار دوست
- ۶۶- دین و آزادی
- ۶۷- رجعت یا حیات دوباره
- ۶۸- رسول ترک
- ۶۹- روزه‌هایی از عالم غیب
- ۷۰- زیارت ناخیه مقدسه
- ۷۱- سحاب رحمت
- ۷۲- سخنرانی مراجع در مسجد جمکران
- ۷۳- سرود سرخ انار
- ۷۴- سقا خود تشنه دیدار
- ۷۵- سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات
- ۷۶- سیاحت غرب
- ۷۷- سیمای امام مهدی عج در شعر عربی
- ۷۸- سیمای جهان در عصر امام زمان عج (دو جلدی)
- ۷۹- سیمای مهدی موعود عج در آئینه شعر فارسی
- ۸۰- شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالع)
- ۸۱- شمس وراء السحاب / عربی
- ۸۲- صبح فرا می‌رسد
- ۸۳- ظهور حضرت مهدی عج
- ۸۴- عاشورا تجلی دوستی و دشمنی
- ۸۵- عریضه نویسی
- ۸۶- عطر سبب
- ۸۷- عقد الدرر في أخبار المنتظر عج / عربی
- ۸۸- علی ع مروارید ولایت
- ۸۹- علی ع و پایان تاریخ
- ۹۰- غدیر خم (روسی، آذری لاتین)
- ۹۱- غدیر شتاسی و پاسخ به شبهات
- ۹۲- فتنه و هابیت
- آلمات آپسالیکوف
- صافی، سبحانی، کورانی
- شیخ عباس قمی / کمره‌ای
- کریم شنی
- زهرا قرلقاشی
- محمد حسین قهیم‌نیا
- احمد علی طاهری ورنی
- محمد حسن سیف‌اللهی
- سید محسن خرازی
- واحد تحقیقات
- عباس اسماعیلی یزدی
- واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- الهة بهشتی
- طهورا حیدری
- علی اصغر رضوانی
- آقا نجفی قزوچانی
- دکتر عبداللهی
- محمد امینی گلستانی
- محمد علی مجاهدی (پروانه)
- محمد حسین نائیجی
- السید جمال محمد صالح
- مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید
- سید اسدالله هاشمی شهیدی
- سید خلیل حسینی
- سید صادق سیدزاد
- حامد حجتی
- المقدس الشافعی
- واحد تحقیقات
- سید مجید فلسفیان
- علی اصغر رضوانی
- علی اصغر رضوانی
- علی اصغر رضوانی

- ۹۳ - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام
- ۹۴ - فرهنگ اخلاق
- ۹۵ - فرهنگ تربیت
- ۹۶ - فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها (بخش)
- ۹۷ - قوز اکبر
- ۹۸ - فریادرس
- ۹۹ - قصه‌های تربیتی
- ۱۰۰ - کرامات المهدی علیه السلام
- ۱۰۱ - کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۰۲ - کمال الدین و تمام النعمة (دو جلد)
- ۱۰۳ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)
- ۱۰۴ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)
- ۱۰۵ - گفتمان مهدویت
- ۱۰۶ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات
- ۱۰۷ - مام قضیلت‌ها
- ۱۰۸ - مشکاة الانوار
- ۱۰۹ - مفرد مذکر غائب
- ۱۱۰ - مکیال المکارم (دو جلد)
- ۱۱۱ - منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ
- ۱۱۲ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه
- ۱۱۳ - منشور نینوا
- ۱۱۴ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات
- ۱۱۵ - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات
- ۱۱۶ - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی
- ۱۱۷ - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد
- ۱۱۸ - مهربان‌تر از مادر / نوجوان
- ۱۱۹ - مهر بیکران
- ۱۲۰ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس)
- ۱۲۱ - ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالایی)
- ۱۲۲ - نجم الثاقب
- ۱۲۳ - نجم الثاقب (دو جلدی)
- ۱۲۴ - ندای ولایت
- سید محمد واحدی
- عباس اسماعیلی یزدی
- عباس اسماعیلی یزدی
- حسن صدری
- محمد باقر فقیه ایمانی
- حسن محمودی
- محمد رضا اکبری
- واحد تحقیقات
- واحد تحقیقات
- شیخ صدوق علیه السلام / منصور پهلوان
- حسن بیاتانی
- علی اصغر یونسیان (ملنجی)
- آیت الله صافی گلپایگانی
- مرحوم حسینی اردکانی
- عباس اسماعیلی یزدی
- علامه مجلسی علیه السلام
- علی مؤذنی
- موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- شیخ عباس قمی علیه السلام
- حسین ایرانی
- مجید حیدری فر
- علی اصغر رضوانی
- عزیز الله حیدری
- الغمیدی / محبوب القلوب
- علامه مجلسی علیه السلام / ارومیه‌ای
- حسن محمودی
- محمد حسن شاه آبادی
- سید مهدی حائری قزوینی
- واحد تحقیقات
- میرزا حسین نوری علیه السلام
- میرزا حسین نوری علیه السلام
- بنیاد غدیر

- ۱۲۵ - نشانه‌های ظهور او  
محمد خادمی شیرازی
- ۱۲۶ - نشانه‌های یار و چکامه انتظار  
مهدی علیزاده
- ۱۲۷ - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات  
علی اصغر رضوانی
- ۱۲۸ - نماز شب  
واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- ۱۲۹ - نهج الکرامه گفته‌ها و نوشته‌های امام حسین (ع)  
محمد رضا اکبری
- ۱۳۰ - و آن که دیرتر آمد  
الله بهشتی
- ۱۳۱ - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات  
علی اصغر رضوانی
- ۱۳۲ - وظایف منتظران  
واحد تحقیقات
- ۱۳۳ - ویژگی‌های حضرت زینب (ع)  
سید نورالدین جزائری
- ۱۳۴ - هدیه احمدیه / (حیسی، نیم‌حیسی)  
میرزا احمد آشتیانی (ع)
- ۱۳۵ - همراه با مهدی منتظر  
مهدی فتلاوی / بیژن کرمی
- ۱۳۶ - یاد مهدی (ع)  
محمد خادمی شیرازی
- ۱۳۷ - یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)  
محمد حجتی
- ۱۳۸ - ینابیع الحکمة / عربی - پنج جلد  
عباس اسماعیلی یزیدی

جهت تهیه و خرید کتاب‌های فوق، می‌توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن‌های ۰۲۵۱-۷۲۵۳۳۴۰، ۰۲۵۱-۷۲۵۳۷۰۰ تماس حاصل نمایید. کتاب‌های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می‌گردد.

سایر نمایندگی‌های فروش:

- تهران: ۰۲۱-۶۶۹۲۸۶۸۷، ۰۲۱-۶۶۹۳۹۰۸۳
- یزد: ۰۳۵۱-۶۲۸۰۶۷۱-۲، ۰۳۵۱-۶۲۴۶۴۸۹
- فریدونکار: ۰۱۲۲-۵۶۶۴۲۱۲-۱۴